

قال الله تعالى
اللهم صل على محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم الصالحين
الجميعين

۱۸۲۷۸



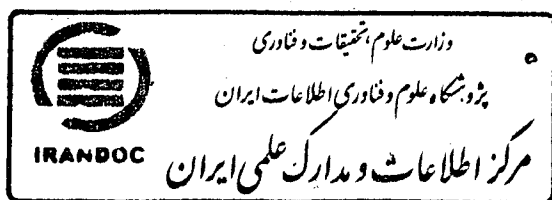
دانشگاه تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

موضوع
هویت نظام جمهوری اسلامی ایران
و سازش ناپذیری در سیاست هسته‌ای

استاد راهنما
دکتر محمدرضا تخشید

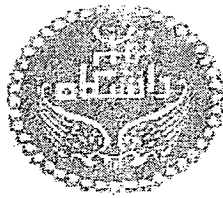
اساتید مشاور
دکتر فرهاد عطایی
دکتر حمیرا مشیرزاده

دانشجو
الهام رسولی فانی آبادی
جهت اخذ درجه دکتری روابط بین‌الملل
پاییز ۱۳۸۹



۱۵۲۶۱۸

۱۳۸۹/۱۲/۲



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

گروه آموزشی روابط بین الملل

گواهی دفاع از رساله دکتری

بیات داوران رساله دکتری : خانم الهام رسولی ثانی آبادی

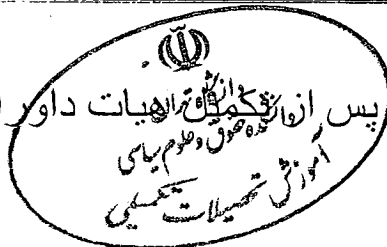
رشته : روابط بین الملل گرایش :

عنوان : هویت نظام جمهوری اسلامی ایران و سازش ناپذیری در سیاست هسته ای

را در تاریخ : ۱۳۸۹/۱۱/۳ با درجه عالی ارزیابی نمود .

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد)	دکتر محمد رضا تخشید	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر محمد نرغسا عطایی	دانشیار	"	
۳	استاد مشاور دوم (حسب مورد)	دکتر حمیرا مشیرزاده	دانشیار	"	
۴	استاد مدعو خارجی	دکتر حسین دهشیر	استادیار	دانشگاه علامه طباطبایی	
۵	استاد مدعو خارجی	دکتر محمد کاظم سجادپور	دانشیار	دانشکده وزارت امور خارجه	
۶	استاد مدعو داخلی	دکتر ابو محمد عسگرخانی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۷	استاد مدعو داخلی	دکتر عبدالله رمضان زاده	استادیار	"	
۵	معاون یا نماینده معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده	دکتر حمیرا مشیرزاده	دانشیار	"	

تذکر : این برگه پس از امضاء هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد



تقدیم به

روح پاک استاد علی محمدی و استاد شهرباری
که وجودشان تجلی عشق و ایثار و زندگی بود
و تقدیم به پدرم، مادرم و همسرم
و تمامی کسانی که دوستشان دارم...

چکیده

در این پژوهش با بررسی سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران در حوزه هسته‌ای از سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲)، به این نتیجه می‌رسیم که این کشور در قبال دروندادها و تقاضاهای محیطی، مبنی بر تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم، تصویب و اجرای هرچه سریع‌تر پروتکل الحاقی و همکاری کامل و بی‌قید و شرط با بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، با غیرمشروع خواندن این درخواست‌ها به اقداماتی غیرانطباق‌گرایانه روی آورده و سیاستی نسبتاً سازش‌ناپذیر را در حوزه هسته‌ای از خود بروز داده است. بنابراین هدف اصلی این پژوهش، بررسی اصلی‌ترین دلیل ادامه فعالیت‌های هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران و سیاست سازش‌ناپذیر این کشور در حوزه هسته‌ای علی‌رغم وجود فشارها و واکنش‌های بین‌المللی است. با مروری بر ادبیات و نظرات موجود در ارتباط با مساله هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران، به این نتیجه می‌رسیم که در کنار آثار گاه‌شناختی، پیامدمحور، حقوق‌محور و راه‌حل‌محور، تنها بخشی از ادبیات مربوط به این موضوع، مبنای تحلیل خود را بر روی خاستگاه و یا انگیزه جمهوری اسلامی ایران از فعالیت‌های هسته‌ای قرار داده‌اند. آثاری که غالباً با نگاهی امنیت‌محور و بر اساس تحلیل‌های واقع‌گرایانه و نواقح‌گرایانه روابط بین‌الملل است و با بیان نظامی بودن فعالیت‌های هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران، محیط امنیتی این دولت و تلاش در جهت بازدارندگی را عامل اصلی این فعالیت‌ها بیان می‌کنند. بنابراین در این پژوهش تصمیم گرفته شد تا با استفاده از نظریه سازه‌انگارانه روابط بین‌الملل، به جای در نظر گرفتن دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان کنشگر عقلانی صرف که بر اساس منطق نتایج و هویت مادی از پیش تعیین شده به کنش و تعامل با دنیای بیرون می‌پردازد، این دولت را کنش‌گری اجتماعی در نظر بگیریم که بر اساس هویتی که برای خود تعریف می‌کند، سیاست هسته‌ای‌اش را شکل داده و امکان‌پذیر می‌کند.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

کلیات

۲	۱- بیان مسأله.....
۹	۲- بررسی ادبیات موجود.....
۲۱	۳- هدف پژوهش.....
۲۲	۴- ارائه نظریه‌ها.....
۲۳	۵- تبدیل نظریه‌ها به فرضیه‌ها.....
۲۴	۶- آزمون فرضیه‌ها.....
۲۵	۷- تعریف عملیاتی فرضیه‌ی اصلی.....
۳۰	۸- نقطه تمرکز.....
۳۰	۹- محدودیت‌های رساله.....
۳۱	۱۰- سازمان‌دهی پژوهش.....

فصل اول

ایران و سیاست هسته‌ای

۳۳	مقدمه.....
۳۴	بررسی سیاست جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته‌ای.....
۳۷	بررسی شاخص‌های سیاست سازش‌ناپذیر جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته‌ای.....
۳۸	ایران و درخواست‌های بین‌المللی.....
۵۱	قوانین داخلی و سیاست هسته‌ای.....
۵۲	جمهوری اسلامی ایران و پیشنهادات هسته‌ای.....
۵۸	نتیجه.....

فصل دوم

جمهوری اسلامی ایران و بازدارندگی هسته‌ای

۶۲	مقدمه.....
۶۳	ارائه چهارچوب نظری: بررسی نظریه بازدارندگی هسته‌ای کنت والتز.....
۷۰	بررسی محیط امنیتی دولت جمهوری اسلامی ایران.....
۷۹	آیا جمهوری اسلامی ایران به دنبال سلاح هسته‌ای است؟.....
۸۷	نتیجه.....

فصل سوم

سازهانگاری، هویت و سیاست خارجی

۹۰	مقدمه
۹۱	سازهانگاری و روابط بین‌الملل
۹۷	سازهانگاری و هویت
۱۰۰	سازهانگاری، هویت و سیاست خارجی
۱۱۱	نتیجه

فصل چهارم

بررسی مبانی بینادهنی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران

۱۱۶	مقدمه
۱۱۷	بررسی هنجارهای نشأت گرفته از فرهنگ اسلامی - شیعی
۱۳۴	بررسی انگاره‌ها و ایستارهای موجود در فرهنگ سیاسی
۱۵۲	نتیجه

فصل پنجم

هویت نظام جمهوری اسلامی ایران و سازش‌ناپذیری در سیاست هسته‌ای

۱۵۶	مقدمه
۱۵۸	هویت انقلابی - اسلامی جمهوری اسلامی ایران در گفتارهای مختلف سیاست خارجی
۱۷۰	هویت انقلابی - اسلامی جمهوری اسلامی ایران و سازش‌ناپذیری در سیاست هسته‌ای
۱۸۴	نتیجه
۱۸۶	نتیجه نهایی
۱۹۷	منابع و مأخذ
۲۱۲	پیوست‌ها

فهرست جداول

جدول ۱-۴	«تاکید بر اصل وحدت در بیانات رهبری در سال ۱۳۸۹»	۱۲۳
جدول ۲-۴	«تاکید بر استقلال در بیانات رهبری در سال ۱۳۸۷»	۱۲۷
جدول ۳-۴	«تاکید بر عدالت‌خواهی در بیانات رهبری در سال ۱۳۸۹»	۱۳۰
جدول ۴-۴	«تاکید بر ایستادگی در بیانات رهبری در سال ۱۳۸۹»	۱۳۴
جدول ۵-۴	«تاکید بر غیرقابل اعتماد بودن دولت آمریکا در بیانات رهبری»	۱۴۴
جدول ۶-۴	«تاکید بر توطئه خارجی در بیانات رهبری در سال ۱۳۸۸»	۱۴۵
جدول ۷-۴	«نگاه ایرانی‌ها به نقش کشورها در نظام بین‌الملل»	۱۴۵
جدول ۸-۴	«نگاه ایرانی‌ها به نقش دولت آمریکا در نظام بین‌الملل»	۱۴۶
جدول ۹-۴	«آیا تضعیف و تفرقه در جهان اسلام هدف آمریکا است؟»	۱۴۶
جدول ۱۰-۴	«نگاه ایرانی‌ها به نقش اوباما در نظام بین‌الملل»	۱۴۷
جدول ۱۱-۴	«آیا نظام بین‌الملل امروزی عادلانه است؟»	۱۴۷
جدول ۱۲-۴	«نگاه ایرانی‌ها در مورد حمایت از مستضعفان جهان»	۱۴۸
جدول ۱۳-۴	«تاکید بر اقتدار ملت ایران در بیانات رهبری دولت ج ایران»	۱۵۰

فهرست نمودارها

نمودار ۱-۱	«مدل سازه‌انگارانه از تجزیه و تحلیل سیاست خارجی»	۲۷
نمودار ۲-۱	«مدل سازه‌انگارانه از تجزیه و تحلیل سیاست خارجی ایران در زمینه هسته‌ای»	۲۹
نمودار ۱-۳	«مدل سازه‌انگارانه از تجزیه و تحلیل سیاست خارجی»	۱۱۰
نمودار ۲-۳	«هویت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در زمینه هسته‌ای»	۱۱۳
نمودار ۱-۴	«مبانی هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح داخلی»	۱۵۴
نمودار ۱-۵	«هویت و سیاست هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران»	۱۷۴

کلیات

- ۱- بیان مساله
- ۲- بررسی ادبیات و نظرات موجود
- ۳- هدف پژوهش
- ۴- ارائه نظریه‌ها
- ۵- تبدیل نظریه‌ها به فرضیه‌ها
- ۶- آزمون فرضیه‌ها
- ۷- تعریف عملیاتی فرضیه اصلی
- ۸- نقطه تمرکز
- ۹- محدودیت‌های رساله
- ۱۰- سازمان‌دهی پژوهش



IRANDOC

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

بیان مساله

به لحاظ تاریخی فعالیت‌های هسته‌ای ایران به اواسط دهه ۱۹۵۰ بر می‌گردد، هنگامی که محمدرضا پهلوی در سال ۱۹۵۷ (۱۳۳۵) «توافق اتم برای صلح» را با دولت آیزن‌هاور به امضا رساند و بعد از این توافق اولین راکتور تحقیقاتی را از دولت ایالات متحده برای مرکز تحقیقات هسته‌ای تهران دریافت کرد (Amuzegar, 2006, 91). یک سال بعد از این توافق دولت ایران در سال ۱۹۵۸ (۱۳۳۶) به عضویت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۱ درآمد و در سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۷) نیز به پیشنهاد دانشگاه تهران ساخت یک راکتور اتمی در دستور کار هیئت دولت قرار گرفت و موسسه علوم هسته‌ای که تحت نظارت سازمان مرکزی پیمان سنتو بود، از بغداد به تهران منتقل شد، دانشگاه تهران نیز در راستای آموزش و پژوهش هسته‌ای مرکزی را تحت عنوان «مرکز اتمی دانشگاه تهران» تاسیس کرد (غریب آبادی، ۱۳۸۷، ۳۷). دولت ایران همچنین با امضای معاهده منع تکثیر سلاح‌های اتمی^۲ در سال ۱۹۶۸ (۱۳۴۷) و تصویب آن در سال ۱۹۷۱ (۱۳۴۹) به توسعه بیش از پیش برنامه هسته‌ای خود پرداخت و در همین راستا قراردادهایی را نیز با برخی از دولت‌های غربی از جمله دولت‌های فرانسه، آلمان و ایالات متحده به امضا رسانید (Ozcan, Ozdamar, 2009, 121).

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) علی‌رغم آن که این کشور به عضویت خود در معاهده منع تکثیر ادامه داد، اما به خاطر مسائل و مشکلات ناشی از انقلاب و به خصوص وقوع جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) عملاً اجرای طرح‌ها و پروژه‌های هسته‌ای با دشواری زیادی روبرو گردید و منجر به قطع همکاری با غرب، تعطیلی نسبی تاسیسات هسته‌ای و همچنین خروج بسیاری از کارشناسان هسته‌ای از جمهوری اسلامی ایران شد (دل‌اورپور، ۱۳۸۷، ۳۹). به بیان باوند، وقوع انقلاب اسلامی در ایران نگرش تجدیدنظرطلبانه‌ای را در این کشور نسبت به مسائل داخلی و همچنین خارجی ایجاد کرد که نتیجه آن دیدی کاملاً منفی نسبت به اقدامات انجام شده در رژیم قبلی به خصوص قراردادهای انعقادی با دولت‌ها و شرکت‌های خارجی بود. بنابراین اولین عکس‌العمل مسوولان سیاست‌خارجی دولت جدید، لغو یک‌جانبه قسمت اعظم قراردادهایی بود که با دولت‌ها و کنسرسیوم‌های خارجی در دوران قبل از انقلاب بسته شده بود، در همین زمینه می‌توان به اقدام سازمان انرژی اتمی دولت جمهوری اسلامی ایران در جهت لغو یک‌جانبه تمامی قراردادهایی که با شرکت اوریدف فرانسه منعقد شده بود، اشاره کرد (باوند، ۱۳۸۵، ۳۲۸). از سوی دیگر با وقوع جنگ ایران و عراق بسیاری از تاسیسات هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران و مراکز تحقیقاتی این کشور از جمله دو راکتور در حال ساخت بوشهر،

^۱ - Nuclear International Energy Organization

^۲ - Non Proliferation Treaty

^۳ - در این زمینه می‌توان به قرارداد میان سازمان انرژی اتمی ایران و موسسه تکنولوژی ماساچوست در سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۳) وینا قرارداد ده ساله تمدید سوخت هسته‌ای میان این سازمان و دولت آلمان در سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۴) و با دولت فرانسه در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۵) اشاره کرد (برای توضیحات بیشتر در این باره بنگرید به: تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان، ۱۳۸۶، ۲۹-۳۵). دولت ایران همچنین سال ۱۹۷۸ طرح نهایی توافق هسته‌ای با دولت آمریکا را که شامل خرید مواد و تجهیزات هسته‌ای از این کشور بود، به امضا رسانید (Ozcan, Ozdamar, 2009, 123).

مورد حملات هوایی دولت عراق قرار گرفت و همین امر باعث گردید تا مسوولان آلمانی تکمیل و ساخت این نیروگاه به دلایل امنیتی از ادامه کار منصرف شده و از ایران خارج شوند (Entessar, 2009, 26).

پس از پایان جنگ، دولت سازندگی به ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی (۱۳۶۸-۱۳۷۶)، تصمیم گرفت تا در راستای بازسازی و احیای اقتصادی کشور، پروژه‌های هسته‌ای را نیز دنبال کرده و به منظور دریافت کمک‌ها و تکنولوژی‌های کشورهای غربی مذاکراتی را با دولت‌هایی چون آلمان، هلند، آرژانتین و اسپانیا اتخاذ کرد، که البته همه این مذاکرات با ممانعت دولت آمریکا به خاطر بخشی از سیاست این کشور در جهت مهار و تحریم ایران مورد شکست قرار گرفت (Amuzegar, 2006, 93). یکی از مهم‌ترین محورهای مورد مذاکره دولت جمهوری اسلامی ایران در این دوران، تکمیل و راه اندازی نیروگاه اتمی بوشهر بود که در زمان جنگ صدمات زیادی را متحمل شده بود. به همین منظور مقامات دولت ایران بعد از مذاکره با آلمان‌ها و چندین کشور دیگر نهایتاً توانستند در سال ۱۹۹۳ (۱۳۷۲) قراردادی را با دولت روسیه منعقد نمایند که طبق این قرارداد دولت روسیه موظف بود تا سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۸) این نیروگاه را تکمیل نماید (Perara, 2000, 17). اما گزارش تیموتی گاردن در سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹) مبنی بر هسته‌ای بودن ایران^۴ و همچنین مصاحبه مطبوعاتی گروه مجاهدین خلق در سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۱) و طرح ادعای آن‌ها مبنی بر فعالیت‌های پنهانی هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران در تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم نطنز و تجهیزات آب سنگین اراک و پخش تصاویر ماهواره‌ای از این تاسیسات توسط شبکه‌های خبری مختلف، موضوع هسته‌ای این کشور را به یکی از مهم‌ترین و حساس‌برانگیزترین موضوعات مطرح شده در جامعه بین‌المللی و نهادهای آن تبدیل کرد (Entessar, 2009, 26).

در اولین اقدام جامعه بین‌الملل، محمد البرادعی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تاریخ ۲۰۰۳/۲/۲۱ (۱۳۸۱/۱۲/۲) به جمهوری اسلامی ایران سفر کرد و پس از بازدید از تاسیسات هسته‌ای ایران در نطنز، اولین گزارش کتبی خود را به شورای حکام ارائه داد (روزشمار هسته‌ای سال ۲۰۰۳، ۱۳۸۸) و این شورا نیز اولین بیانیه خود را چند روز پس از این گزارش در تاریخ ۲۰۰۳/۶/۱۹ (۱۳۸۲/۳/۲۹) مبنی بر ضرورت حل و فصل ابهامات و تصویب و اجرای هرچه سریع‌تر پروتکل الحاقی از سوی دولت ایران، صادر کرد (Rashid, Kinjo, 2009, 32). سه ماه بعد از صدور این بیانیه، شورای حکام اولین قطعنامه خود را نیز تصویب کرد و در آن مجدداً بر درخواست‌های پیشینش در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تصویب و اجرای هرچه سریع‌تر پروتکل الحاقی و همچنین تعلیق فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی اورانیوم، تاکید کرد (روزشمار هسته‌ای سال ۲۰۰۳، ۱۳۸۸).

به دنبال صدور این قطعنامه دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در اکتبر ۲۰۰۳ (مهر ۱۳۸۲) از وزرای خارجه سه کشور فرانسه، انگلیس و آلمان، برای سفر به این کشور و مذاکره بر سر مسائل هسته‌ای دعوت کرد. حاصل این سفر تفاهم در

^۴ در این گزارش که توسط سازمان اطلاعاتی سیا در سال ۲۰۰۰ منتشر شد، تیموتی گاردن بیان کرد که در کنار پنج کشور هسته‌ای دنیا و سه کشور اسرائیل، هند و پاکستان، کشورهای ایران، عراق و کره شمالی نیز در شمار کشورهای هسته‌ای به شمار می‌روند که به دنبال سلاح هسته‌ای هستند (برای توضیحات بیشتر بنگرید به: گاردن، ۱۳۸۳، ۱۱۳-۱۲۵).

خصوص «بیانیه تهران» در تاریخ ۲۰۰۳/۱۰/۲۱ (۱۳۸۲/۷/۲۹) بود که در آن تصمیم گرفته شد دولت جمهوری اسلامی ایران ضمن همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به امضای پروتکل الحاقی پرداخته و تا قبل از تصویب آن در مجلس شورای اسلامی، آن را اجرا و تمامی فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم و باز فرآوری را به صورت موقت معلق نماید (دلاورپور، ۱۳۸۷، ۴۴).

حدوداً دو ماه بعد از صدور «بیانیه تهران» آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دومین قطعنامه خود را نیز در خصوص برنامه هسته‌ای ایران صادر کرد و از دولت جمهوری اسلامی ایران خواست تا به تعهدات خود در «بیانیه تهران» عمل کند (بنگرید به: قطعنامه شورای حکام آژانس، ۲۰۰۳). با صدور این قطعنامه دولت ایران پروتکل الحاقی را در تاریخ ۲۰۰۳/۱۲/۱۸ (۱۳۸۲/۹/۲۷) امضا کرد (غریب آبادی، ۱۳۸۷، ۸۷). اما در خصوص تعلیق خواسته شده علی‌رغم انعقاد «موافقت‌نامه بروکسل»^۵ با سه کشور اروپایی در تاریخ ۲۰۰۴/۲/۲۳ (۱۳۸۲/۱۲/۴)، عملاً اقدامی را تا صدور قطعنامه سوم شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تاریخ ۲۰۰۴/۳/۱۳ (۱۳۸۲/۱۲/۲۵) انجام نداد. این در حالی است که در این مقطع زمانی رهبران دولت جمهوری اسلامی ایران، در سطح کنش‌های گفتاری^۷ به خصوص در بعد داخلی، به شدت بر حق مسلم و لاینفک کشورشان در دستیابی به انرژی هسته‌ای تاکید کرده و نارضایتی خود را در خصوص درخواست‌های جامعه بین‌المللی ابراز می‌داشتند.

پس از صدور سه قطعنامه پی در پی از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران و همچنین گزارش‌های محمد البرادعی مبنی بر این که مقامات این دولت همکاری کاملی با این نهاد نداشته و در بازرسی‌های مربوطه از تاسیسات هسته‌ای کشورشان تاخیر ایجاد کرده‌اند (Entessar, 2009, 33)، رهبران دولت جمهوری اسلامی ایران در کنار کنش‌های گفتاری خود در سطح اقدامات عملی نیز با تصویب قانون «دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای» مصوب مجلس شورای اسلامی، با ارسال نامه‌ای به مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تاریخ ۲۰۰۵/۸/۱ (۱۳۸۴/۵/۱۰) قصد خود را مبنی بر از سرگیری فعالیت‌های تاسیسات هسته‌ای و برداشتن تعلیق اعلام کردند (روزشمار هسته‌ای سال ۲۰۰۵، ۱۳۸۸). با این اقدام سیاست سازش‌ناپذیر هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران چه در بعد کنش‌های رفتاری و چه در بعد کنش‌های گفتاری از شدت و قوت بیشتری برخوردار گردید که ارجاع پرونده هسته‌ای این کشور به شورای امنیت به عنوان نهاد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، یکی از مصداق‌های بارز این سیاست سازش‌ناپذیر و نتیجه آن بود.

^۵ در این موافقت‌نامه دولت جمهوری اسلامی ایران بر تعهدات خود در «بیانیه تهران» تاکید کرد (برای توضیحات بیشتر در مورد مفاد این موافقت‌نامه بنگرید به: موافقت‌نامه بروکسل، ۲۰۰۴).

^۶ دولت جمهوری اسلامی ایران حدوداً یک ماه بعد از صدور این قطعنامه فعالیت‌های یو.سی.اف. اصفهان را به تعلیق در آورد (روزشمار هسته‌ای سال ۲۰۰۴، ۱۳۸۸).

^۷ - Speech Act

به این ترتیب که حدوداً دو ماه بعد از صدور هشتمین قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مجلس شورای اسلامی دولت جمهوری اسلامی ایران با تصویب قانونی در تاریخ ۲۲/۱۱/۲۰۰۵ (۱۳۸۴/۹/۱) اعلام کرد که در صورت هرگونه ارجاع یا گزارش در مورد پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل، کلیه همکاری‌های داوطلبانه خود را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به حالت تعلیق در می‌آورد. طبق این قانون مقامات دولت ایران در تاریخ ۲۰۰۶/۱۱/۱۰ (۱۳۸۴/۱۰/۲۰) با رفع تعلیق نظن و برداشتن مهر و موم‌ها به از سرگیری فعالیت‌های غنی‌سازی این کشور و ساخت سانتریفیوژها پرداختند (گاهشمار تحولات هسته‌ای سال ۲۰۰۶، ۱۳۸۴). در پی این اقدام عملی، رییس جمهوری ایران محمود احمدی‌نژاد نیز در طی بیانیه‌ای در خصوص سیاست هسته‌ای دولت، بر بی‌اثر بودن اقدامات و فشارهای نهادهای جامعه بین‌الملل در این زمینه اشاره کرد و خود را موظف دانست تا قاطعانه و بدون هرگونه سازشی به دفاع از حقوق هسته‌ای ملت ایران ادامه دهد (بیانیه رییس جمهوری ایران در زمینه هسته‌ای، ۱۳۸۴).

در واکنش به این اقدامات غیرانتداب‌گرایانه دولت جمهوری اسلامی ایران، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در نهمین قطعنامه خود که در تاریخ ۲۴/۲/۲۰۰۶ (۱۳۸۴/۱۱/۱۵) صادر کرد، ضمن احراز عدم پایبندی دولت جمهوری اسلامی ایران به موافقت‌نامه‌های آژانس و همچنین وجود موارد مبهم در جریان راستی‌آزمایی فعالیت‌های هسته‌ای، تصمیم گرفت تا پرونده هسته‌ای این کشور را به شورای امنیت سازمان ملل ارسال کند. در این قطعنامه که از مجموع ۳۵ عضو شورای حکام فقط سه کشور سوریه، ونزوئلا و کوبا به آن رای منفی دادند، از دولت جمهوری اسلامی ایران خواسته شد تا علاوه بر فراهم آوردن شرایط اعتماد ساز برای دسترسی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به افراد، اسناد و تجهیزات دارای کاربرد دوگانه و موسسات تحقیقاتی، تمامی فعالیت‌های هسته‌ای خود را به حالت تعلیق درآورده و پروتکال الحاقی را هرچه سریع‌تر به تصویب برساند (اجاق‌لو، ۱۳۸۵، ۲۲).

به دنبال ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، این شورا در اولین گام خود طی بیانیه‌ای در تاریخ ۲۹/۳/۲۰۰۶ (۱۳۸۵/۱/۹)، ضمن ابراز نگرانی شدید از گزارشات و قطعنامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران، بر درخواست‌های پیشین این شورا از دولت ایران تأکید کرد و از این دولت خواست تا اقدامات درخواستی را ظرف مدت یک ماه انجام دهد (فشار پلکانی: مروری بر قطعنامه‌های شورای امنیت، ۱۳۸۶، ۱۹). اما درست چند روز پس از انتشار این بیانیه، رییس جمهوری دولت ایران محمود احمدی‌نژاد در تاریخ ۱۱/۴/۲۰۰۶ (۱۳۸۵/۱/۲۲) از تکمیل چرخه تولید سوخت هسته‌ای در مقیاس آزمایشگاهی خبر داد و اعلام کرد که اورانیوم با غنای مورد نیاز برای نیروگاه‌های هسته‌ای ایران در روز بیستم فروردین^۸ ماه همان سال تولید شده است. رئیس‌جمهور همچنین رسماً اعلام کرد که ایران به کشورهای هسته‌ای جهان پیوسته است و براساس مقررات بین‌المللی و حقوق حقه خود، مسیر خود را تا تولید صنعتی سوخت برای نیروگاه‌ها ادامه خواهد داد (نگاهی به مهم‌ترین تحولات پرونده هسته‌ای ایران، ۱۳۸۷، ۱۷).

^۸ در پی این خبر و با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی این روز در تقویم ایرانیان «روز ملی فناوری هسته‌ای» نام گرفت.

پس از این اقدام دولت جمهوری اسلامی ایران، اعضای دائم شورای امنیت به علاوه آلمان تصمیم به مذاکره برای حل مساله هسته‌ای این کشور گرفتند و در همین راستا طرح پیشنهادی موسوم به « بسته ۶ ژوئن ۲۰۰۶ شش کشور» را به جمهوری اسلامی ایران تحویل دادند. این طرح پیشنهادی که با سفر سولانا و نمایندگان پنج کشور چین، روسیه، فرانسه، انگلیس و آلمان به ایران در تاریخ ۲۰۰۶/۶/۶ (۱۳۸۵/۳/۱۶)، به مقامات این کشور تحویل داده شد (Weiss, 2009, 84)، ضمن ارائه یک سری از پیشنهادات و مشوق‌های اقتصادی، از جمهوری اسلامی ایران می‌خواست تا ضمن همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به از سرگیری اجرای پروتکل الحاقی پرداخته و آن را هرچه سریع‌تر به تصویب برساند (بسته ۶ ژوئن ۲۰۰۶ به ایران، ۱۳۸۸). در این طرح هرچند به صراحت از توقف چرخه سوخت هسته‌ای داخلی صحبتی نشده بود، اما اشاره به بحث تضمین‌های سوختی حاکی از آن بود که ایران باید این برنامه را کنار بگذارد. دولت جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به این بسته پیشنهادی ضمن بیان این که دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و همچنین چرخه کامل سوخت، حق مسلم این دولت می‌باشد، اعلام کرد که این کشور نمی‌تواند پیشنهاد «تعلیق در برابر تعلیق»^۹ را بپذیرد (غریب آبادی، ۱۳۸۶، ۲۴۲).

به دنبال این پاسخ، شورای امنیت اولین قطعنامه خود را تحت عنوان «قطعنامه ۱۶۹۶» در تاریخ ۲۰۰۶/۷/۳۱ (۱۳۸۵/۵/۹)، تحت ماده ۴۰ فصل هفتم منشور سازمان ملل علیه برنامه هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران صادر کرد و ضمن ابراز نگرانی شدید از گزارش‌های ۲۷ فوریه، ۲۸ آوریل و ۸ ژوئن سال ۲۰۰۶ مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و یافته‌های آن،^{۱۰} از ایران خواست که بدون تاخیر گام‌های مقدر شده از سوی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قطعنامه‌های پیشین را برداشته و تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفراوری از جمله تحقیق و توسعه را به گونه‌ای که توسط آژانس قابل راستی‌آزمایی باشد، تعلیق نماید (قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت، ۲۰۰۶).

بعد از صدور این قطعنامه نمایندگان و مقامات دولت جمهوری اسلامی ایران با بی‌اعتبار دانستن و غیرمشروع خواندن اقدامات درخواستی از سوی شورای امنیت سازمان ملل در دو بعد حقوقی و سیاسی، به شدت با آن به مخالفت پرداخته و در سطح اقدامات عملی نیز این دولت به فعالیت‌های غنی‌سازی خود ادامه داده و رییس جمهوری ایران محمود احمدی نژاد مجتمع آب سنگین اراک را علی‌رغم وجود فشارهای بین‌المللی در تاریخ ۲۰۰۶/۸/۲۶ (۱۳۸۵/۶/۴)

^۹ پیشنهاد تعلیق در برابر تعلیق به معنای آن است که در طی مدت مذاکرات ایران با کشورهای نماینده نظام بین‌الملل که با چهارچوب زمانی مورد توافق انجام می‌شود، ایران تعلیق قابل راستی‌آزمایی توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را که در قطعنامه‌های شورای امنیت خواسته شده را انجام می‌دهد و در مقابل بحث مربوط به برنامه هسته‌ای ایران و تدابیر ناشی از قطعنامه‌های شورای امنیت به حالت تعلیق در می‌آید (Kern, 2006, 1).

^{۱۰} در این گزارش‌ها شماری از مسائل به جا مانده در خصوص برنامه‌های هسته‌ای ایران از جمله موضوعاتی که می‌تواند بعد نظامی داشته باشد، فهرست شده و بیان شده است که شکاف‌های موجود در اطلاعات مربوط به این امر همچنان مساله نگران‌کننده‌ای است (قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت ۲۰۰۶).

افتتاح کرد (فلاحی، ۱۳۸۶، ۹۹) و اعلام نمود که ملت ایران عزت، شرف، استقلال و پیشرفت خود را با هیچ چیز عوض نمی‌کند و حاضر نیست که ذره‌ای از حقوق خود در این زمینه بگذرد (سخنان رییس جمهور محمود احمدی نژاد در مراسم افتتاحیه مجتمع تولید آب سنگین اراک، ۱۳۸۵).

در قبال سیاست سازش‌ناپذیر دولت جمهوری اسلامی ایران و عدم متابعت از درخواست های شورای امنیت، این شورا دومین قطعنامه خود را (۱۷۳۷) در تاریخ ۲۰۰۶/۱۲/۲۳ (۱۳۸۵/۱۰/۲)، تحت ماده ۴۱ فصل هفتم منشور سازمان ملل علیه فعالیت‌های هسته‌ای این کشور صادر کرد. در این قطعنامه بیان شده بود که مطابق با گزارش‌های مدیرکل آژانس، دولت ایران تعلیق کامل و پایدار کلیه فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفرآوری به نحو مقرر در قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت را انجام نداده و همکاری‌اش را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی طبق پروتکل الحاقی از سر نگرفته است. این قطعنامه به عنوان اولین سند بین‌المللی حقوقی که فعالیت‌های هسته‌ای دولت ایران را با صلح و امنیت بین‌المللی مرتبط می‌ساخت، در بردارنده تحریم های مالی و تکنولوژیکی بسیاری بود، که در بند سوم به طور مفصل به آن پرداخته شده بود (بنگرید به: قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت، ۲۰۰۶). این قطعنامه نیز به مانند قطعنامه قبلی شورای امنیت با مخالفت گسترده مقامات و نهادهای تصمیم‌گیرنده دولت جمهوری اسلامی ایران از جمله مجلس شورای اسلامی و وزارت امور خارجه مواجه شد.^{۱۱}

بدین ترتیب شورای امنیت بار دیگر تقاضاهای پیشین خود را در قالب قطعنامه دیگری تحت عنوان «قطعنامه ۱۷۴۷» در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۰۰۷/۳/۲۳ (۱۳۸۶/۱/۴)، تحت ماده ۴۱ فصل هفتم منشور سازمان ملل، صادر کرد. این قطعنامه که بدون رای‌گیری و با اجماع به تصویب پانزده عضو شورا رسیده بود، ضمن ابراز نگرانی از گزارش اخیر مدیرکل و تقبیح این که ایران به قطعنامه های ۱۶۹۶ و ۱۷۳۷ پایبند نبوده است، بار دیگر از این کشور خواست تا بدون تاخیر بیشتر، اقدامات مورد درخواست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را که در قطعنامه‌های این شورا مقرر شده است، انجام دهد (قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت، ۲۰۰۶). این قطعنامه همچنین به ایران ۶۰ روز فرصت می‌داد تا مطالبات مطرح شده را که مهم‌ترین آن تعلیق غنی‌سازی اورانیوم بود، به اجرا درآورد (نگاهی به مهم‌ترین تحولات پرونده هسته‌ای ایران، ۱۳۸۷، ۱۶).

مقامات دولت جمهوری اسلامی ایران به مانند دفعات قبل ابتدا در سطح مواضع اعلامی خود، این قطعنامه را محکوم کردند و غیرمشروع خواندند و رییس جمهوری ایران محمود احمدی نژاد چند روز پس از تصویب این قطعنامه در بیستم فروردین ۱۳۸۶ در مراسم جشن روز «ملی فناوری هسته‌ای» در نطنز اعلام کرد که کشورش در گروه تولید کنندگان صنعتی سوخت هسته‌ای قرار گرفته است (روزشمار تحولات هسته‌ای سال ۲۰۰۷، ۱۳۸۸). به دنبال این اقدام، محمد البرادعی مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در گزارش خود به شورای امنیت سازمان ملل، اعلام کرد که دولت جمهوری اسلامی ایران

^{۱۱} برای اطلاعات بیشتر در این زمینه بنگرید به: (بیانیه مجلس شورای اسلامی در واکنش به قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت سازمان ملل، ۱۳۸۵ و بیانیه وزارت امور خارجه در واکنش به قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت سازمان ملل، ۱۳۸۵).

از اجرای مفاد قطعنامه ۱۷۴۷ سرپیچی کرده و نه تنها غنی‌سازی اورانیوم را متوقف نکرده بلکه آن را گسترش نیز داده است (دارمی، ۱۳۸۷، ۱۵).

این گزارش و اقدامات غیرانطباق‌گرایانه دولت جمهوری اسلامی ایران در واکنش به درخواست‌های بیرونی، منجر به صدور چهارمین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل تحت عنوان «قطعنامه ۱۸۰۳» در تاریخ ۲۰۰۸/۳/۳ (۱۳۸۶/۱۲/۱۳)، با چهره رای موافق و یک رای ممتنع^{۱۲} شد. در این قطعنامه ضمن ابراز نگرانی شدید از گزارش‌های دبیرکل مبنی بر عدم پایبندی ایران به اقدامات درخواستی شورای حکام و شورای امنیت، از ایران خواسته شد هرچه سریع‌تر و بدون تاخیر بیشتر، اقدامات مقرر شده در قطعنامه‌های قبلی را اجرا نماید (قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت، ۲۰۰۸).^{۱۳} در واکنش به این قطعنامه نماینده ایران در سازمان ملل با بیان این که کشورش درخواستی را که به لحاظ حقوقی بی‌مبنا و مخدوش و به لحاظ سیاسی زورگویانه است، نخواهد پذیرفت، به رد آن پرداخت و تاکید کرد که دولت جمهوری اسلامی ایران به غنی‌سازی اورانیوم برای تامین سوخت راکتورهایش نیاز داشته و بنابراین نمی‌تواند آن را به تعلیق در آورد (سخنرانی نماینده جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل در واکنش به قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت، ۱۳۸۶).

صدور پنجمین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل تحت عنوان «قطعنامه ۱۸۳۵» در تاریخ ۲۰۰۸/۹/۲۷ (۱۳۸۷/۷/۱۶)، در شرایطی صورت گرفت که دولت جمهوری اسلامی ایران بسته پیشنهادی شش کشور (گروه ۵+۱) را تحت عنوان «بسته ۱۴ ژوئن ۲۰۰۸ شش کشور» رد کرد. در این طرح که به نمایندگی سولانا دبیر سیاست‌ خارجی اتحادیه اروپا به منوچهر متکی وزیر امور خارجه ایران در تاریخ ۲۰۰۸/۶/۱۴ (۱۳۸۷/۳/۲۵) تحویل داده شد، شش کشور تصریح کردند که انجام هر گونه مذاکرات رسمی در حوزه‌های اقتصادی، هسته‌ای، سیاسی، انرژی، کشاورزی و زیست محیطی منوط به تعلیق غنی‌سازی از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران خواهد بود (بسته ۱۴ ژوئن ۲۰۰۸ شش کشور، ۱۳۸۸). دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در پاسخ به این بسته پیشنهادی به مانند دفعات قبل ضمن نپذیرفتن پیش شرط تعلیق برای انجام هرگونه مذاکره، تاکید خود را برای انجام مذاکرات، بدون هر گونه پیش شرطی قرار داد (روزشمار تحولات هسته‌ای سال ۲۰۰۸، ۱۳۸۸).

با توجه به مطالب بیان شده در خصوص مهم‌ترین وقایع مرتبط با موضوع فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تا صدور قطعنامه ۱۸۳۵ شورای امنیت سازمان ملل، به نظر می‌رسد که این کشور علی‌رغم درخواست‌ها و واکنش‌های نسبتاً شدید جامعه بین‌الملل و نهادهای آن، به فعالیت‌های هسته‌ای خود ادامه داده و در این زمینه سیاستی نسبتاً سازش‌ناپذیر از

^{۱۲} تنها رای ممتنع از آن کشور اندونزی بود.

^{۱۳} این قطعنامه از مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی محمد البرادعی می‌خواهد که ظرف ۹۰ روز گزارش دیگری از این که آیا ایران اقدامات درخواستی مندرج در قطعنامه‌های قبلی را اجرا کرده است یا نه به شورای حکام آژانس و به موازات آن به شورای امنیت جهت بررسی ارائه دهد (قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت، ۲۰۰۸).

خود بروز داده است. بنابراین این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که مهم ترین دلیل سازش ناپذیری دولت جمهوری اسلامی ایران و عدم انطباق با درخواست های بیرونی در زمینه سیاست هسته‌ای چیست؟

بررسی ادبیات و نظرات موجود

با مروری بر ادبیات و آثار موجود درباره برنامه هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران، می‌توان آن‌ها را به طور کل به چند دسته تقسیم کرد:

- ۱- **آثار گاه‌شناختی:** هدف این دسته از آثار بررسی تاریخی و دوره‌ای مهم‌ترین تحولات موجود در پرونده هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران است.
- ۲- **آثار حقوق‌محور:** هدف این دسته از آثار بررسی ابعاد حقوقی پرونده هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران از جمله حقوق و تعهدات این کشور مطابق با پیمان منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای است.
- ۳- **آثار پیام‌محور:** تاکید اصلی این دسته از آثار بر پیامدهای حاصل از فعالیت‌های هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران است. این دسته از آثار درصدد بیان تاثیر هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران بر کشورهای منطقه، واکنش دیگر کشورها به این فعالیت‌ها و همچنین تاثیر آن بر صلح و امنیت بین‌الملل اند.
- ۴- **آثار راه حل‌محور:** این دسته از آثار در پی ارائه راه حلی برای منازعه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران هستند و تجویزاتی سیاست‌گذارانه را در این ارتباط بیان می‌کنند.
- ۵- **آثار انگیزه‌محور:** این دسته از آثار مبنای تحلیل خود را خاستگاه و یا انگیزه دولت جمهوری اسلامی ایران از فعالیت‌های هسته‌ای قرار می‌دهند و دلایل محتمل این فعالیت‌ها را علی‌رغم فشارهای محیطی مورد بررسی قرار می‌دهند.^{۱۴}

آثار گاه‌شناختی:

از مهم‌ترین و برجسته‌ترین آثاری که در این دسته قرار می‌گیرد، کتاب **تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان**، انتشارات وزارت امور خارجه در سال ۱۳۸۶ است. این اثر که مبنای تحلیل خود را بیان سیر تاریخی فعالیت‌های هسته‌ای ایران چه در دوران قبل از انقلاب و چه در دوران بعد از آن قرار می‌دهد، دربردارنده مجموعه مقالاتی است که بخش اول این مقالات به تاریخچه روابط هسته‌ای ایران با کشورهایی چون آمریکا، فرانسه، آلمان و سایر کشورها در دوران قبل از انقلاب اختصاص داشته و مقالات بخش دوم نیز با نگاهی تاریخی به پیدایش سلاح‌های هسته‌ای، روند توسعه این سلاح‌ها و

^{۱۴} لازم به توضیح است که برخی از آثار می‌توانند به طور هم‌زمان به دو یا چند یک از این رهیافت‌ها تعلق داشته باشند.

تاریخچه روند هسته‌ای شدن کشورهای هند، پاکستان و کره شمالی می‌پردازد. در بخش سوم نیز مقالاتی وجود دارد که سازمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و پیمان عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای را تبیین می‌کنند.

از دیگر آثار موجود در این زمینه می‌توان به کتاب **مسائل هسته‌ای ایران** (اسدی، ۱۳۸۵) اشاره کرد که نویسنده در این اثر ابتدا به طور مشروحی به بیان سیر تاریخی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از قبل از انقلاب تا کنون پرداخته و در خلال این تبیین به توضیح برخی از مفاهیم انرژی هسته‌ای و کاربردهای فنی و تکنولوژیک آن می‌پردازد و سپس ابعاد فنی برنامه هسته‌ای ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. در بخش آخر این کتاب نیز نویسنده به مفاد قطعنامه‌ها و بیانیه‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین شورای امنیت اشاره کرده و آن‌ها را توضیح می‌دهد.

برنامه هسته‌ای ایران: واقعیت‌های اساسی (غریب آبادی، ۱۳۸۷) اثر دیگری است که نویسنده آن ابتدا در فصل اول به ارزیابی سیاست‌ها و اقدامات دولت ایران در حوزه خلع سلاح و کنترل تسلیحات کشتار جمعی در طول تاریخ می‌پردازد و در فصل دوم نیز با نگاهی تاریخی سابقه اقدامات و فعالیت‌های هسته‌ای این کشور از قبل از انقلاب تا به امروز را مورد بررسی قرار می‌دهد. سپس غریب آبادی با بیان این که انرژی هسته‌ای یک ضرورت انکار ناپذیر برای زندگی بشری است، کاربرد صلح‌آمیز این انرژی را در زمینه‌های بهداشتی، پزشکی و صنعتی مورد بررسی قرار داده و با بیان ابعاد فنی موضوع هسته‌ای به بررسی قطعنامه‌ها و بیانیه‌های صادر شده در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

پرونده هسته‌ای ایران به روایت اسناد (غریب آبادی، ۱۳۸۶) اثر مهم دیگری است که نویسنده در آن با نگاهی کاملاً جدید و تاریخی سعی کرده تمامی اسناد و همچنین بیانات تصمیم‌گیرندگان اصلی دولت جمهوری اسلامی ایران را در ارتباط با پرونده هسته‌ای جمع‌آوری کند. در فصل اول این اثر نویسنده به ارائه اسناد مربوط به موافقت‌نامه‌های همکاری هسته‌ای دولت‌های غربی با ایران، در دوران قبل از انقلاب می‌پردازد و در فصل دوم نیز برنامه هسته‌ای این کشور را از دیدگاه رهبری، ریاست جمهوری و همچنین مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهد. در فصل سوم نویسنده به بررسی تاریخی دیدگاه جنبش عدم تعهد در قبال پرونده هسته‌ای ایران می‌پردازد و در فصول آخر نیز اسناد مربوط به از سرگیری فعالیت‌های یو.سی.اف. اصفهان، بیانیه‌های صادره توسط شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین اسناد مربوط به قطعنامه‌های ۱۶۹۶ و ۱۷۳۷ ارائه می‌دهد. این اثر یکی از کامل‌ترین آثاری است که به لحاظ تاریخی در مورد پرونده هسته‌ای دولت ایران وجود داشته و تمامی اسناد مربوط به این پرونده را در بر دارد.

کتاب **ایران هسته‌ای، نمادی در برابر نظام هژمونیک** (دلاورپورآقدم، ۱۳۸۷)، اثر دیگری در زمینه مسائل هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است که نویسنده در این اثر ابتدا در فصل اول به تعریف واژه‌ها، اصطلاحات و مفاهیم مرتبط با فناوری هسته‌ای پرداخته و در همین راستا ساختار تشکیلاتی آژانس را نیز تعریف و تبیین می‌نماید. سپس دلاورپورآقدم در فصل دوم با نگاهی کاملاً تاریخی به بیان اقدامات و فعالیت‌های هسته‌ای ایران در دوران قبل از انقلاب و بعد از آن پرداخته و در فصل سوم نیز به قابلیت‌های کنونی این کشور در حوزه فناوری هسته‌ای می‌پردازد. بخش پایانی کتاب نیز رویکردهای

گونگون مراکز پژوهشی غرب در قبال موضوع هسته‌ای ایران به بحث گذاشته شده و در خلال آن به اقدامات دولت آمریکا و دیگر دولت‌های غربی در قبال توسعه دانش هسته‌ای در جمهوری اسلامی پرداخته می‌شود.

مقاله «بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی هسته‌ای دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد» (فلاحی، ۱۳۸۶)، یکی دیگر از آثار است که می‌توان آن را در زمره ادبیات گاه‌شناختی قرار داد. چراکه نویسنده در این مقاله با نگاهی تاریخی به تحلیل سیاست هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران در زمان ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد

می‌پردازد و این دو دیپلماسی را در قالب دیپلماسی دور اول و دیپلماسی دور دوم طبقه‌بندی می‌کند. در این مقاله نویسنده با بیان وقایع هسته‌ای و جهت‌گیری‌های دولت خاتمی و احمدی نژاد در قبال وقایع بیرونی بر این باور است که الگوی رفتاری حاکم بر سیاست خارجی دولت نهم در حوزه مسائل هسته‌ای، مبتنی بر یک انطباق تهاجمی بوده است. الگویی که بیش از آن که تابع قدرت و امکانات یک کشور و شرایط بین‌الملل باشد، تابع ویژگی‌های شخصی و روانی افراد تصمیم‌گیرنده می‌باشد. سپس نویسنده برای توضیح بیشتر این ادعای خود در قسمت پایانی مقاله به بررسی مقایسه‌ای و تاریخی سیاست هسته‌ای دو دولت پرداخته و با استفاده از اطلاعات تاریخی فرضیه خود را اثبات می‌کند.^{۱۵}

آثار حقوق محور:

بخش دیگری از آثار مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران آثاری اند که با نگاهی حقوقی به تجزیه و تحلیل این مساله می‌پردازند. مقاله «حقوق بین‌الملل و برنامه هسته‌ای ایران» (امیدی، نصری، ۱۳۸۶)، از جمله مقالاتی است که در آن نویسندگان ابتدا به بررسی نظام حقوقی حاکم بر فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در حقوق بین‌الملل پرداخته و سپس مبانی حقوقی اقدامات این کشور و اختلافاتش با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را مورد بررسی قرار می‌دهند. نویسندگان در این مقاله همچنین به طور تفصیلی به بیان ویژگی‌های حقوقی ارجاع پرونده جمهوری اسلامی ایران به شورای امنیت و تحلیل رابطه اصول حقوقی مورد قبول ملل متمدن و برنامه هسته‌ای این کشور می‌پردازند.

مقاله «حقوق در بند سیاست: تحلیل قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت در خصوص برنامه هسته‌ای ایران» (ساعد، ۱۳۸۶)، اثر دیگری است که در آن نویسنده ابتدا به تحلیل ابعاد حقوقی پرونده هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل می‌پردازد و سپس قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت علیه فعالیت‌های هسته‌ای این کشور را به لحاظ حقوقی مورد بررسی و

^{۱۵} از دیگر آثار است که می‌توان آن‌ها را در ذیل آثار تاریخ محور جای داد، می‌توان به مقالاتی چون: «فراز و فرود حقوق هسته‌ای ایران از شورای حکام تا شورای امنیت» (ساعد، ۱۳۸۵)، «پرونده هسته‌ای ایران از آغاز تا کنون» (کریمی، ۱۳۸۴)، «وقایع نگاری تحولات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۶» (دارمی، ۱۳۸۶) و نهایتاً کتاب **دست‌آورد هسته‌ای دولت نهم** (غریب آبادی، ۱۳۸۶) اشاره کرد.

تجزیه و تحلیل قرار داده و در همین راستا پیچیدگی‌ها و معضلات حقوقی ناشی از بازی‌های سیاسی بر سر پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را تحلیل می‌کند. به نظر نویسنده در روند تصمیم‌گیری شورای امنیت در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران، انگیزه‌های سیاسی شورا چنان بر حقوق بین‌الملل هسته‌ای سایه افکنده است که به وضوح می‌توان رابطه قدرت و تاثیرگذاری سیاست بر حقوق را مشاهده کرد.

«نگرش حقوقی به موافقت‌نامه پاریس درباره برنامه هسته‌ای ایران» (سادات میدانی، ۱۳۸۴)، مقاله دیگری است که در آن نویسنده با نگرشی حقوقی به تحلیل موافقت‌نامه پاریس که در سال ۲۰۰۴ میان ایران و سه کشور اروپایی بسته شد، می‌پردازد و ابعاد حقوقی مفاد این موافقت‌نامه را به دقت مورد بررسی قرار می‌دهد. به نظر نویسنده امضای این موافقت‌نامه از زوایای حقوقی و سیاسی مختلفی قابل نقد و بررسی است. به عنوان مثال امکان تلقی این موافقت‌نامه به عنوان یک معاهده بین‌المللی و انطباق روند انعقاد آن با آئین مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای ورود این کشور به معاهدات بین‌المللی جای قدری تردید دارد. نویسنده همچنین در این مقاله با استدلالی حقوقی بر این باور است که امکان اتخاذ موضع شدیدتر شورای امنیت یا دیگر نهاد‌های بین‌المللی علیه دولت ایران بر اساس موافقت‌نامه پاریس، در آینده بسیار زیاد است.

مقاله «عملکرد شورای امنیت در پرونده هسته‌ای ایران: از ارجاع تا تحریم» (زمانی، سادات میدانی، ۱۳۸۵)، اثر دیگری در زمینه مسائل هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است، که نویسندگان در آن از منظر حقوق بین‌الملل به تحلیل عملکرد شورای امنیت در پرونده هسته‌ای این کشور پرداخته و سازوکارهای حقوقی قابل استفاده در مقابل این قطعنامه‌ها را به دقت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند.

آثار پیامدمحور:

بخش اعظمی از ادبیات موجود در مورد برنامه هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران، آثاری اند که تاکید اصلی را بر پیامدها و نتایج حاصل از این فعالیت‌ها می‌گذارند و تاثیر هسته‌ای شدن دولت ایران را بر همسایگانش به خصوص اسرائیل و یا قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون آمریکا مورد بررسی قرار می‌دهند. بخشی از این آثار نیز به طور خاص به ارتباط میان هسته‌ای شدن ایران و صلح و ثبات نظام بین‌الملل می‌پردازند.

مقاله «آینده اسرائیل و برنامه هسته‌ای ایران» (Weiss, 2009)، از جمله مقالات مهمی است که در آن نویسنده به بیان نظرات و دیدگاه‌های رهبران اسرائیل در مورد هسته‌ای شدن دولت جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. به نظر نویسنده رهبران این رژیم ضمن ابراز نگرانی از هسته‌ای شدن ایران، معتقدند که این کشور عضو پیمان منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای است و بایستی کاملاً تحت نظارت سازمان انرژی اتمی باشد. نویسنده همچنین بیان می‌کند که از نظر رهبران اسرائیل هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران و دستیابی این کشور به سلاح‌های هسته‌ای منجر به ناامن شدن منطقه خاورمیانه و برهم خوردن توازن قوا در این منطقه می‌شود، چراکه ایران به عنوان یک کشور غیرقابل اعتماد و تجدیدنظرطلب در صدد